



طسوع وحدت

ارگان نشریات گزینگان حزب وحدت اسلام افغانستان - کابل

شماره (۵۵) سال چهارم سنبله ۱۳۷۴ هـ ش ۱۴۱۶ هـ ق ۱۹۹۵ میلادی

رسول اکرم ص
راز ارزینیت که چشم ندارد، نابینا کسی است
که سوخته بصیرت ندارد

رسول هدایت قسمت دوم

عنوان: هدایت از ابعاد شخصیت اخلاقی استاد شهید نزاری

قسمت دوم

وسیلده ریاست سعه صدر است
رهبر شهید از چہاتی دارای سعه صدر وسعت
نظر بود و راندیشی بود، هر اندازه کارهای
بزرگ انجام میداد به آن نمی بالید و آنرا به
رخ دیگران نمی کشید، هر قدر با او بدی و
خصومت می کردند، هنگام اقتضای مصلحت
جامعه همه آنها را نادیده میگرفت و از آن
می گذشت، هر چه با او رقابت و تنگ نظری
مینمودند و علیه وی جوسازی و شایعه پراکنی

۷- وسعت نظر:
تصدی مسئولیت ها، دینی، اجتماعی
سیاسی و نظامی هر مقدار از موقعیت کلیدی
حساس و تعیین کننده برخوردار باشد و هر
اندازه که با ارباب رجوع بیشتر ارتباط و سر
و کار داشته باشد، نیاز به حوصله لازم و سعه
صدر و احتیاج به وسعت نظر و ظرفیت دارد.
امیرالمؤمنین علی (ع) میفرماید:
الہ الیاسہ سعه الصدر (۱۹)

صفحه ۲



رژیم کابل پس از سقوط هرات

گرچند کم و بیش اطلاعاتی پیرامون وجود
اختلافات شدید در درون رژیم کابل در سطوح
مختلف در دست بود که در حقیقت زاینده
همان انحصاریست که ربانی و مسعود آنرا
بصورت یک تئوری موفق بکار بسته ولی غافل
از اینکه این کار ضربه همجوهرات رانی
بدنبال دارد که ما بر این باور بوده هستیم
که این اندیشه انحصاری و اختلافاتی که
ناشی از آن تبار ز نموده منحصر به سقوط و از هم
پاشیدگی رژیم خواهد شد، اما رژیم تا حال
سعی مینمود تا این اختلافات را مخفی
نکهدار و دو بظاهر خود را منسجم نشان داده است
ما هم سکوت را در این زاویه ترجیح دادیم
ای بدون مدرک مشت به هوانزیم، اکنون
که چهره نفاق برملا گردیده، هرات و چند
ولایت عرب کشور که یکی از ستونهای اساسی
وسهم و شاهرک حیاتی قدرت رژیم کابل بشمار

صفحه ۲

افغانستان به کجا میرود؟

از: استاد محقق افشار

صفحه ۵

گزیده اخبار

صفحه ۹

شعر معاصر افغانستان

صفحه ۱۲

اعجاز قرآن

قسمت سوم

سخن محمد ابو زهره در باب اسلوب سخن
قرآن درباره طمع و عاقبت آن:

علی حد قدرین فلما رواها قالوا نسا
لصالون بل محرومون قال لوسطهم
الم اقل لكم اولات سبحون قالوا سبحان
ربنا اننا كنا ظالمین فاقبل بعضهم علی
بعضهم علی بعض یتلوا و ممن قالوا
یا ویلنا اننا كنا ظالمین عسی ربنا ان
یبیدلنا خیرا "منها انالی ربنا راغبون
كذلك العذاب ولعذاب الاحیاء
اكبر لو كانوا یعلمون"

صفحه ۷

آیاتی را که ذکر می کنیم بیانگر حال
کسانی است که طمع بر آنان چیره شد
و عاقبت آنرا چشیدند سپر دست به
توبه و انابه برداشتند، خداوند می
فرماید:
انابلونا هم کما بلونا اصحاب الجنة
اذا قسموا لیصر منها مصحیحین
ولا یستثنون قطاف علیها طائف
من ربك وهم نائمون فاصبح
کالصریم فتنادوا مصحیحین ان اغدوا

آنچه که درین شماره میخوانید

- ۱- رژیم کابل پس از سقوط هرات
- ۲- رسول هدایت
- ۳- فراز هائی از ابعاد شخصیت اخلاقی
- ۴- اعجاز قرآن
- ۵- افغانستان به کجا میرود؟
- ۶- شعر معاصر افغانستان
- ۷- گزیده اخبار
- ۸- اعلامیه شورای مرکزی
- ۹- الگوی مقاومت

رژیم کابل پس از سقوط هرات

میرفت محنت و محانی و بدون مقاومت و احتمالا طی يك معامله اسماعیل خان سقوط کرد و بدست مخالفان افتاد بر آن شديم تا قصبه را تحت بررسی قرار دهیم و ببینیم که منشأ اصلی این اختلافات چیست ؟ اینک پس از سقوط هرات رژیم در چه وضعی قرار گرفته ؟ و سرنوشت آینده آن چه خواهد شد ؟

۱- بنظر میرسد منشأ اصلی این اختلافات همان اندیشه و تئوری غلط انحصاریست که آقای ربانی و مسعود طراح و محری آن در کشور گردید، ربانی و مسعود پس از غصب قدرت به این فکر افتادند که بهر وسیله و قیمتی که شده قدرت بدست آمده را بصورت مطلقه و انحصاری حفظ نمایند ا ضرب المثلی است که حدای ترکیده راموزه دادوا و هر دو پارادریک موزه کرد) بنا " تلاش ورزیدند تا به اعضای جمعیت ملیت تاحیک این انگیزه را بدهد که باید قدرت حاکمه مطلقه از آن شما باشد و شما نمیتوانید که انی را از سائرملیت هابیا بید و بعنوان مزدور و اجیر از آنان کار بکشید و هم بعنوان نشانه از حضور سائرملیت هاد در دستگاه قلمداد کنید ۱۱

حاکمه باشد و یا از حقوق يك تبعه افغانی برخوردار شوند ، اما بزودی این اندیشه انحصاری و برتری جوئی در درون دستگاه نیز رخنه کرد و به نشوونما پرداخت و مسئله فرکسیون ، باندبازی ، سمت گرایی ، تعصب لسانی ، مذهبی ، منطقه و غیره و غیره ۰۰۰ را بمیان آورد که هر کدام بصورت يك باند درآمدند که صرفا " در جهت انحصار منطقه و یا باند خود می اندیشند و عمل میکنند ، چون این عمل ننگین که دیگران بایست از حقوق شان محروم شوند از طرف خود ربانی و مسعود بنانهاده شده است که فکر میکنیم منشأ اختلافات هرات و دهها اختلافات دیگر که در آینده بروز خواهند کرد همین مسئله خواهد بود، زیرا اسماعیل خان در هرات که تادیر روز مرد قدرتمندی در کشور بشمار میرفت و از موقعیت دلخواه برخوردار بود فرار نموده به آنسوی مرز پناه برده و هم از سوی مسعود رژیم خلع مسئولیت گردیده که برای رژیم اهمیت بسیار داشت و او توانسته بود چندین ولایت غرب کشور را به نفع دولت تحت کنترل گیرد و از آن گذشته با داشتن دو بندرگاه مهم یعنی تورغندی در مرز ترکمنستان و اسلام قلعه در مرز ایران در جهت تدارکات رژیم ارزش حیاتی داشت ، چرا اسماعیل خان دست از دفاع هرات کشید ؟ و یا احتمالا " دست به معامله گیری

ملیت های دیگر و احزاب و دسته دیگر عمل کنند خود نیز مصئون نخواهد ماند و در درون خود پرورش میدهد و در هرات بمشاهده رسید که آقای ربانی و مسعود خود طراح این تئوری و تئوری بوده است ، از این که بگذریم به های دیگر این باند بازی در درون دستگاه است آقای سیاف پشتون و از نظر مذهبی و هابی تاکی در همچو وضعیت بسر خواهند برد ، قدر مسلم است هر کدام سعی خواهند کرد دیگری را کم قدرت تر سازند و از سوی دیگر جمع و فرود دیگر از ملیت های دیگر همکاری ربانی است که از لحاظ منطقه و مذهب و غیره تفاوت هائی دارد که آنها نیز بایست یا از همه خواسته های انسانی دست بکشد و یا بصورت يك باند در جهت رسیدن بقدرت بیشتر عمل کنند و به نفاق گیری بپردازند که در این صورت در میان دستگاه رژیم باند های مختلفی با خواست های گوناگون وجود دارد که کشور را به تباهی بیشتر خواهد کشاند .

۲- رژیم پس از سقوط هرات در بدترین و دشوارترین وضعیت قرار گرفته و یا بعبارت دیگر در لبه گور رسیده ، زیرا اکثریت مواد تدارکاتی رژیم از طریق هرات از مرزهای ترکمنستان و ایران تاءمین میشود ، این گ پس از سقوط هرات در يك محاصره کامل قرار

...هرگاه تعدادی با ایده نژادی و یا روحیه هارفاشستی و با خصمت برتری طلبی در برابر ملیت های دیگر و احزاب دیگر عمل کنند خود نیز مصئون نخواهد ماند و ضد خود را در درون خود پرورش میدهد چنانچه در هرات بمشاهده رسید...

آری آقای ربانی و مسعود این اندیشه و انگیزه را وسیله قرارداد تا چند صباحی براری که قدرت باقی بمانند و بدین صورت فاجعه عظیمی را در کشور بوجود آوردند .

این اندیشه غلط انحصاری باعث شد تا نیروهای جمعیت ملیت تاحیک را بسوی يك دشمنی دائمی با سائرملیت هابیا کشاند آنهم با ایده پارتاید و بصورت فاشیزم نوپا در آیند و خون هزاران انسان حق خواه را بریزند و به ویرانی کشور بیفزایند .

این تئوری مسعود بظاهر دست آوردهائی هم داشت چون به ملیت تاحیک يك انگیزه کاذب که در حقیقت به نفع آنها نبرد به بار آورد تا حدی آنها را بدور مسعود و ربانی جمع کرد تا نگذارند ملیت های دیگر شریک دستگاه

میزند بنظر میرسد تنها عاملی که اسماعیل خان را وادار به چنین کاری کرده مخالفت با مسعود بوده که مسعود ویران تحت فشار قرار میداده تا سلطه پنجشیری ها و باند شورای شرور نظر را در هرات نیز قائم سازد که این رفتار را حتی اسماعیل خان جمعیتی نیز تحمل کرده نتوانست بالاخره منحصر بسوائی رژیم گردید گرچه مدت ها قبل زمره باند بازی و اختلافات میان شورای نظار و جمعیت هوادار ربانی بر سر زبانها بود که سقوط هرات یکی از نمونه های آنست ، که جریان اختلاف مسعود و اسماعیل خان را احراق عظیمی طی يك مصاحبه بابی بی سی هنگام اعلام بر طرفی اسماعیل خان تلویحا " ابراز داشت ، این يك امر طبیعی است هرگاه تعدادی با ایده نژادی و بارو حیه هارفاشستی و خصمت برتری طلبی در برابر

گرفته که هرگز نخواهند توانست از طریق قاچاق و غیره ضرورت های خود را در کابل تا ۰۰۰ تامین نمایند ، هم اکنون گذارشات که از کابل بدست مامیرسد تمامی ما یحتاج زندگی از بازارها ناپدید شده و اگر احیانا " دستیاب هم شود کسی یارای تهیه و خرید آن ندارد - تاءثرات نظامی آن باعث میشود که ماشین جنگی رژیم از کار افتاده و نیروهای نظامی آن از تحرك بازمانده و وسائل ثقیله محاربی بسوی رابکارانداخته نخواهد توانست چون مخصوصا " تهیه نفت مورد نیاز دیگر در کابل از هیچ راهی بقدر لازم میسر نخواهد بود .

۳- با این وصف رژیم انحصاری ربانی در آستانه سقوط قرار گرفته و بزودی سرنگون خواهد شد ، مگر اینکه ربانی و مسعود در سیاست های غلط شان تجدید نظر نمایند

... رژیم انحصاری ربانی در آستانه سقوط قرار گرفته و بزودی سرنگون خواهد شد مگر اینکه ربانی و مسعود در سیاست های غلط شان تجدید نظر نمایند...

از: استاد حسین شفاقی

فرزاد از ابعاد شخصیت حضرت است

وتبلیغات سوء میکردند برچسپ ها و تهمت های زدن، زمان مراجعه شان از هیچگونه نیکی و کمک به آنان دریغ نمی نمود. هر مقدار نام موقعیت و محبوبیت کسب می داشت، نه تنها در روی دیگرگونی بوجود نمی آمد و مغرور و خودخواه نمی شد که شکستگی و تواضع مضاعف میکردید، در هر سطح که به اوفشار و تنگنار می آورد، خود را نمی باخت و از کوره بیرون نمی رفت.

۸- رافت و غضب:

انسان دارای غرایز، علایق و کششهای متضاد، حد، بغض، رافت، غضب، عشق، نفرت، قهر، مهر، رحم، خشم، شهوت، عاطفه، حب نفس، آرزو، حرص، و جاه طلبی و... است که هر کدام آن در حد معقول برای استمرار زندگی، لازم و ضروری میباشد و باید در نهاد انسان محبت و عشق وجود داشته باشد تا به سوری میل و رغبت پیدا کرد و در آن راستا کشیده شود و برای نیل و رسیدن به آن تلاش و تکاپو صورت پذیرد، باید در جان آدمی غضب و نفرت وجود داشته باشد تا نسبت به زورگویی و ظلم تن ندهد و زیر بار استبداد و بی عدالتی نرود و برستمگرو متجاوز بشورد. باید انسان از رافت، عطوفت بهره مند باشد تا با افراد نیک، صالح، خدمتکار، بستگان و دوستان به مهربانی و خوبی رفتار نماید. قرآن کریم در ترسیم (قهر) و (مهر) (رحم) و (خشم) چنین روش و شیوه را بیان میدارد.

محمد رسول الله والذین معه اشداء علی الکفار رحما بینهم (۲۰)

محمد فرستاده خداست و کسانی که با او هستند در برابر کفار سرسخت و شدید و در میان خود مهربانند.

از ویژگیه گیهای بارز استاد شهید، این بود که به افراد لایق، متعهد، مخلص، فعال، پرکار، آرمانگرا و مفید برای جامعه، علاقه مند بود و نسبت به آنان عشق می ورزید و آنان را مورد مهربانی، نوازش و رافت قرار می داد و از هیچگونه کمک و مساعدت به آنان دریغ نمی کرد ولی از افراد خائین، معامله گر، مزدور دکم، واپس گرا، بی هدف و بی خاصیت نفرت داشت. و به آنان اجازه ضربه زدن به انقلاب و لطمه وارد ساختن به حیثیت جامعه و آسیب رساندن به آرمان ملت را نمی داد و در برابر خیانت و توطئه آنها قاطعانه و با تمام توان

می ایستاد و لوبلغ مابلغ.

۹- شجاعت و پایداری

انسان از نظر روحیه یکسان نیست، برخی ذاتاً شجاع، دلآور، نترس و دارای قوت قلب می باشد، به استقبال خطر می رود و هرگونه خطر را با آغوش باز و لب خندان استقبال می نماید در میدان جنگ صحنه درگیری و پیشامد خای ناگوار خود را نمی بازد و نشاط و شادابی را از دست نمیدهد و بعضی بطور ذاتی ترسو و بیزدل و در برابر کوچکترین خطر سراسیمه میشود و سایه شوم بیم و هراس بر روی مستولی میگردد و از شدت ترس، خوف دست و پایی خود را گم میکند، نمیداند چه کند به کدام طرف قرار نماید و...

مصدق کامل انسان شجاع، مولای متقیان علی (ع) است که خود روحیه بزرگش را چنین بیان میفرماید:

والله لوتظاهر العرب علی قتالی لما ولیت عنها، ولو امكن الفرس من رقابها لسارعت اليها (۲۱)

بخدا سوگند اگر عرب برای نبرد با من پشت به پشت یکدیگر بدهند به این نبرد پشت نمی کنم و اگر فرمت دست دهد که بتوانم آن را مهار کنم به سرعت بسوی آنان خواهم شتافت.

شهید مزاری پیرو خاص آنحضرت و در عصر مامجسمه شجاعت و تابلوی تمام نمای ترسی و دلآوری بود و ترس و هراس در قاموس او مفهوم نداشت.

دلآوری هنگامی به چهره مصمم و نستوه مزاری نگاهش می افتاد خجل و شرم منده می گردید و رنگ و رخ خود را می باخت، و هراس وقتی مزاری را می دید سراسیمه می شد.

آیا غیر معصوم به این مرحله از شجاعت و به این پایه از ترسی میرسد؟ بلی، فرمانده رشید اسلام مالک اشتر در عصر امیر المومنین علیه السلام نمونه کامل ایشان شجاع غیر معصوم بود که حضرت درباره اش میفرماید:

فقد بعثت الیک عبدان عبد الله لا ینام ایام الخوف، ولا ینکل عن الاعداء ساعات الروح، اشد علی الفجار من حریق النار و هو مالک... فانه سیف من سیوف الله لا کیل الطبه ولا تلبی الضریبه (۲۲)

یکی از بندگان خداوند را به سوی شما (اهل مصر) فرستادم که به هنگام خوف (مردم از جنگ) خواب بد چشم او راه نمیدهد در آنجا

شهید مزاری پیرو خاص آنحضرت (علی «ع») و در عصر ما مجسمه شجاعت و

ترس و وحشت، از دشمن هراس نخواهد داشت و نسبت به بدکاران از شعله آتش سوزنده تر است او مالک اشتر است ۷۰۰ اوشمیری از شمشیرهای خداست که نه کند می شود و سه صریس بی اثر می ماند.

و نیز آنحضرت در ترمیزی، مالک اشتر میفرماید:

مالک و مالک ۱ واللہ لوکان جبلا لکان فندا ولوکان حجرا لکان صلبا لا یرتقیه الحافر ولا یوفی علیه الطائر (۲۳)

مالک اما چه مالکی ۱ به خدا سوگند اگر کوه بودی کتابود و اگر سنگ بود سرسخت و محکم بود هیچ مرکبی نمیتوانست از کوه سار و چودش بالا رود و هیچ برنده ای به اوج آن راه نمی یافت.

آیا چنانچه مالک اشتر زنده می بود استقامت و پایداری مزاری را هم طراز و هم پایه ایستادگی و پایداری خود نمی شمرد؟ و آیا اگر مولای متقیان علی (ع) در قید حیات می بود یا ولی عصر امام زمان (عج) از نظرها غایب نمیبود همچو سخنان را در باره استاد مزاری نمی فرمود؟ و آن سفارش را که حضرت بمردم مصر فرمود؟ بمردم افغانستان و ملت هزاره نمی فرمود؟ چرا؟ زیرا مزاری بزرگ خوب مبارزه و جهاد نمود.

شکنجه گاههای ساواک و سلولهای زندان از استقامت و پایداری استاد مزاری قحه ها دارد، سنگرهای جهاد و حماسه آفرینی شهید استاد مزاری از شجاعت، شهامت، سلحشوری و دلآوری و احکایت، هادارد، کوه های سربلند کشیده شمال، جنوب و غرب افغانستان از کوه پیمائی و عزم راسخ او در دل داستانها دارد، قله های چهارگانه و سموچ های بامیان و ریگزارهای هلمند و هرات از پایداری و پایداری او سخن هادارد.

و بالاخره سه سال مقاومت غرب کابل حاطرات و حکایات، فراموش نشدنی از وی بازگو خواهد کرد، ساختمان مستحکم علوم اجتماعی افشار خواهد گفت که من فروریختم اما مزاری همچنان استوار بود، کوه آسمانی کابل (کوه رادیو تلویزیون) خواهد به زبان آمد که مسن مقرر مزاری را در کارته سه زیر باران انواع گلوله و آتش می گرفتیم ولی پایبندی و ایستادگی و ثبات او مرا خاموش می ساخت کل باغ اسارت نگاهش به اعتراف خواهد آمد که اسیر بسیار دیدم اما چنین در بند آزاده و دلور



هر از هایش از ایچاه شخصیت الخلافت انتاد شهید مزارای

ندیدم ، خبرنگاران و عکاسان روزی اقرار خواهند نمود که اینگونه انسان قاطع ، مقاوم و باصلابت ، که بادست و پای درزنجیر و در جنگ دشمن چون کوه استوار باشد در زندگی و در سطح جهان سراغ نداریم ، چهار آسیاب شکنجه گاه استاد ، گواهی خواهد داد که او مجسمه شجاعت و نمود پایداری بود و شکنجه گران و جلادان قسی القلب که وی را با قساوت ، بی رحمی ، طرز فجیع ، دست و پای بسته و لت و کوب به شهادت رساندند و بر پیکری جانش دو گلوله فیر کردند و ۳۰۰۰ زیر فشار و چندان دیوانه وار به جرم و جنایت شان اعتراف خواهند کرد و بسبب روح آرام ، قوت قلب و عزم راسخ استاد شهید زبان تقصیر و انابه خواهند کشود .

۱۰- عفو و گذشت :

زندگی اجتماعی توأم با یک سبوری اختلاف نظر ها و دوگانگی دیدگاه ها ، بگو ، مگو ها و چار و جنجال های باشد و هر قدر مساله رنگ سیاسی و حقوقی پیدا نماید و از اهمیت است و حساسیت بیشتر برخوردار گردد نظریه تر و دقیق تر میشود که می طلبدم وضع گیریها و پاسخ شناسی و حساب شده باشد تا مشکل نیافریند و گرفتاری خلق نکند ، یکی از راه حل های معقول که غائله را میخواباند و به بحران و کشمکش خاتمه می بخشد ، گذشت و عفو است . اسلام می گوید وقتی زورگو ، متجاوز و ستمگر را از عملکرد دو کردار شایسته و نادان ساختی

ذالذی اجره علی الله ؟ فیقال : العافون . عن الناس فیدخلون الجنة بغیر حساب (۲۵)

هنگامی روز قیامت میشود کسی ندانید هر کس اجرا بر خداست و اورد بهشت شود ، گفته میشود چه کسی اجرش بر خداست ؟ پاسخ می گویند : کسانی که مردم را عفو کردند آنها بدون حساب داخل بهشت می شوند .

رهبر شهید ، دارای روحیه عفو و گذشت بود هنگامی افراد و جریان ها به هر دلیلی نسبت به وی مرتکب اسلحه ادب ، جسارت و تهمت شده بودند شرایطی پیش می آمد که بخاطر مسایل حیاتی مربوط به سرنوشت جامعه از لغزش و تقصیر آنان بگذرد می گذشت و عفو را - بر انتقال مقدم میداشت .

نمونه و مواد زیادی را سراغ داریم که استاد مزاری بخاطر مصلحت جامعه بخصوص بحیثیت چنان گرفتن حزب ، وحدت اسلامی و خاتمه بخشیدن به پراکندگی مردم در برابر هر کس و ناکس کوتاه آمد و عفو را پیشه ساخت .

۱۱- ایثار :

افراد جامعه از نظر صفات و ذات اخلاقی همگون و همانند نیستند افرادی در صدد بود وضع زندگی ، آسایش و رفاه خود هستند یا می خواهند خود به کمال و دانش برسند ، یا سعی و تلاش میکنند مشکلات و نابسامانیهای اجتماعی را تنها از سر خود دور سازند در فکر دیگران و در غم غیر نمی باشند و اشخاصی دیگران را بر خود مقدم میدارند کوشش می نمایند دیگران به نعمت و موهبت برسند گرچه خود شان محروم و در مضیقه باشند دیگران در آسایش و آرامش به سر برند گرچه خود در فشار و تنگنا قرار بگیرند ، از منافع شان چشم

و تعویض نماید ، غذای خود را به گرسنگان می فرستاد و خود گرسنگی می کشید ، آب را به تشنگان میداد و خود تشنگی و عطش را تحمل می کرد ، دهها جوان مجرد را متاهل ساخت ولی خود تا این اواخر در حال مجرد بسر می برد هزاران نفر را به مکه فرستاد ولی خود به حج نرفت ، دیگران تمام فامیل و کل منسوبین خود را چندین بار به حج فرستادند ، ایشان حتی مادر پیرش را برای یکبار به مکه فرستاد ، مشکل مسکن صد ها خانواده ، مهاجران را حل کرد اما خانواده خودش خانه بدوش بود ، در میدان رزم خود میان خطر می رفت تا خطر را از جان دیگران دور سازد ، طی سه سال مقاومت غرب کابل ، در حساسترین لحظات خود در نقاط پیر مخاطره می شتافت تا فشار از سر دیگران کاهش یابد

۱۲- امانت داری :

امانت داری :

از شاخصه های انسان متعهد و پیاک

امانت داری اسهت منتهی رعایت در امانت معنی وسیع ، مفهوم گسترده و مصادیق گوناگون و مختلف دارد و شامل امور معنوی و مادی ، فردی و اجتماعی میشود و از تقسیم قدرت و سپردن مسئولیت بر اساس لیاقت و شایستگی تا نگهداری اموال و ثروت عمومی و تادوری هستن از خیانت به عفت و حیثیت خانواده ها را در بر میگیرد .

قرآن کریم در ارتباط با رعایت در امانت در عبارت جامع که در بر گیرنده مفهوم وسیع باشد چنین بیان میفرماید :

ان الله یامرکم ان تؤءوا الامانات الی اهلها (۲۷)

خداوند به شما فرمان میدهد که امانت ها را به

ایشان زمانی که در حوزه ، علمیه قم مشغول تحصیل بود ، صادقانه و صریح با مردم برخورد

مینمود ، تذویر ، ریا و پرده پوشی در قاموش نبود .

و قدرت ، انتقام و توان مجازات و کفر را پیدا نمودی اگر عفو و گذشت ، نمائی سزاوار و سازنده است .

قرآن کریم در ارتباط با عفو و گذشت چنین رهنمون میفرماید :

و جزایسته مثلها من عفا و اصلاح فاجر علی الله (۲۴)

و کفریدی مجازاتی همانند آن است و هر کس عفو و اصلاح کند اجرا و پاداش او با خدا است .

و در حدیثی از پیامبر گرامی اسلام (ص) - چنین میخوانیم :

اذا کان یوم القیامه نادى مناد من كان اجره علی الله فلیدخل الجنة ، فیقال من

می پوشند تا دیگران از آن بهره مند گردند ، که این ویژه گی و خصیصه دوم از برجسته ترین صفات انسانی است ، و به آن (ایثار) اطلاق می شود .

قرآن کریم به عنوان آموختن چنین خصیصه نمونه ای از ایثار مسلمانان در اسلام را که انصار متعهد مهاجران را بر خود شان مقدم میداشتند باز گو میفرماید :

ویوءثرون علی انفسهم ولو کان بهم خصاصه آنها را بر خود مقدم میدارند هر چند شدیداً فقیر باشند .

جزء بارزترین صفات پسندیده : استاد مزاری اینثار بود ، وی در طول زندگی می کوشید مشکلات دیگران را به آسایش خویش مبادله

صاحبان آن برسانید . در زمینه اهمیت مساله امانت و نقش امین بودن ، امام صادق (ع) میفرماید :

لا تنظروا الی طول رکوع الرجل و سجوده فان ذلك شیئی اعتاده فلو ترکه استوحش و لکن انظروا الی صدق حدیثه و ادا امانته (۲۸)

به رکوع و سجود طولانی افراد نگاه نکنید زیرا ممکن است برای آنها عذاب شده باشد که از ترک آن ناراحت شوند ولی بسبب راستگویی در سخن و ادا امانت آنها نگاه کنید .

رهبر شهید استاد مزاری در تمام ابعاد مسایل اجتماعی ، مالی ، سیاسی حقوقی و ۰۰۰ امین بود





افغانستان به کجا می‌رود؟

چند هفته بود که از جنگهای شدید در افغانستان گذار نشد و داشت گذارش — اوضاع داخلی افغانستان از آنتن های خبری جهان افتاده بود و قطع شده بود، از جنگ ها و درگیریهای شدید و خونین، از لشکرکشیها و آدم کشیها اطلاع چندان داده نمیشد — گاهگاهی از مسافرت هیئت های خارجی و هیئت صلح و بازسازی در افغانستان گذارش — داده میشد، از فرصت بدست آمده امنیت نسبی چند روزه دولت نام نهاد ربانی و خبر گذاری باختر دستگاه دروغ بافی و شایعه پراگنی کابل استفاده اعظمی نموده از صلح و ثبات در کشور، از شکست و تسلیم شدن نیروهای مخالف در گوشه و کنار ولایات و لسوالیها، از بازسازی و نوسازی در کابل و شهرستانها، از بازگشائی مدارس و پوهنتون و لیلیه ها و ۰۰۰ خبرها و گذارش هائی با آنگ و — تاب و تجزیه و تحلیل ارائه میداد و پخش میکرد به تقلید از آن و هماهنگی با آن خبر گذاریهای جهان بی بی سی و خبر گذاری آلمان و برنامسه دری آمریکا و بی بی سی و برنامسه رادیو دری خراسان و فارسی تاجکستان اکاذیب و اراچیف دروغ — های عمدی و شایعه های تبلیغاتی رادیو رژیم کابل را بارنگ آمیزی بیشتر تکرار کرده با تبصره و تجلیل و اظهار نظر و ابراز عقیده اوضاع آینده افغانستان را به نفع دولت ربانی و رژیم کابل تبلیغ و ترویج میکردند و هر هفته اخبار داغ اوضاع افغانستان از آنتن های خبری جهان رو به ضعف رفته داشت حذف میشد.

در اوایل برج جاری سهله (شهریور) ۷۴ —

جنگ و درگیری نظامی با حمله اسماعیل خان بین قوای نظامی تورن اسماعیل خان والی هرات و دومین شخصیت مهم نظامی استر جنرال آقای ربانی و امیر جمعیت اسلامی در حوزه جنوب غرب افغانستان از یک سو و بین گروه خونخوار و غدار و مکار جنبش طالبان که قبلا " در کابل و هرات از قوای دولت و اسماعیل خان شکست خورده بود از سوی دیگر، در گرفت و توجه جهانیان را جلب کرد که خبر گذاریها در جنب و جوش و کوشش و تلاش افتاد، باز درگیری رزمی و کشتار و خونریزی در افغانستان خوراک خوب تبلیغاتی رسانه های خبری جهانیان قرار گرفت، پیشرویها و پیرویها، شکست ها و پیروزیهای این دو گروه متخاصم و در رواج — نظر خبر گذاریها و جراید و نشریات جهان جالب و مورد توجه و خواندنی بود، در آغاز حمله گسترده جنرال اسماعیل خان و یورش بر نیروهای

جنبش طالبان حساس بود که شکست پی در پی و فراری وقفه طالبان را در پی داشت کسه سریعا " فرار نموده صد ها کیلومتر راه را از — جبهه دلارام تا شهر گرشله عقب نشینی کردند از تصرف شهر دلارام و ولایات فسراره و نیمروز بدست اسماعیل خان خبر میرسید و محاصره شهر گرشله بدست نیروهای دولتی و قوای امیر هرات و پیشروی بسوی شهر قندهار مرکز اصلی طالبان اخباری بود که رسانه های خبری را پر کرده و گوشه ها را ساخته بود ولی یکمرتبه خبر گذاریها از پاتک شکننده و حمله برق آسای قوای جنبش طالبان گذارش دادند و از پیشروی طالبان و فرار نیروهای اسماعیل خان خبر دادند نه تنها از پیشروی بسوی شهر دلارام بلکه از تصرف ولایات فراه و نیمروز بدست طالبان اطلاع دادند که در طی دوسه روز صد ها کیلومتر پیشروی داشتند و از سقوط ناگهانی پایگاه بسیار مهم و استراتژیکی میدان هوایی شیندند و تصرف آن بدست طالبان با تمام مهمات و ۴۲ فروند طیاره خبر رسید.

با کمال ناباوری قوای شکست خورده و فراری طالبان چنان قدرت یافتند و چنان نیرو گرفتند که نه تنها قوای دولتی و نیروهای نظامی جنرال اسماعیل خان قهرمان را شکست دادند و عقب راندند بلکه مقرر فرماندهی و قلمرو حکمرانی جنرال مقتدر را تصرف کردند که آقای استر جنرال امیر هرات اسماعیل خان با فرار جنرالان افغانستان را ترک کرده در ماورای مرز افغانستان گریخت و جان سلامت برد، قدرت و توان رزمی و پیروزی ناگهانی طالبان معماقی است که برای حل آن تبصره ها و تحلیل های خبر گذاریها بجائی نرسیده و اذهان کارشناسان را متوجه خود ساخته است که چگونه قوای شکست خورده طالبان در حال فرار مهاجم شدن و چنین پیروزی چشمگیر بدست آوردند بهر حال پیشروی دولت و فرار طالبان و تهاجم طالبان و شکست قوای اسماعیل خان (که البته موضوع بسیار مهم در اوضاع افغانستان است) چند هفته خوراک داغ تبلیغاتی برای رسانه های خبری جهان ایجاد کرد، مسافرینی که از هرات به قند هار آمده اند میگویند در طول راه شیندند تا گرشله در کنار جاده صد ها جنازه افتاده است که در دشت و صحرا پراکنده و از اثر حرارت و گرمای هوا متعفن شده که بسوی اذیت کننده به مشام میرسد خصوصاً در دلارام که حاکی از دهها کشته دریگه موضع است و تعفن بسیار شدید احساس میشود شایسته جسد هامورد تهاجم حیوانات گوشت خوار قرار گیرد و این بیانگر آنست که قوای اسماعیل خان محاصره شده و مورد حمله بسیار شدید قرار

گرفته که اسیر یا کشته شده است، هر چه است خبر از کشتار بیرحمانه افغانها بدست یگدیگر شان میدهد.

مطلب شایان توجه:

مسئول تمام این جنایت ها و کشتارها و عامل همه این بدبختیها و جنگها و ویرانیها آقای برهان الدین ربانی است که بالاجت و سرسختی به حاکمیت نامشروع و دولت غیر قانونی و غیر اسلامی ادامه میدهد و حکومت چهار ماهه را چند ساله ساخته است دست به نیرنگ ها و حیلها برای ادامه ریاست جمهوری اش میزند، یکی از آنها ادامه جنگ برای حفظ قدرت و ادامه دولت است گاهی شورای حل و عقد بدون شرکت گروههای جهادی فقط از حزب جمعیت و افراد مزدور خریداری شده توسط سرمایه ملت مسلمان که بعنوان رئیس جمهور در اختیارش قرار گرفته بود و از آن شورا برای ادامه دولت غیر قانونی اش بهانه بدست آورد و گاهی اجلاس بزرگ هرات را توسط تورن اسماعیل خان مسئول جنوب غرب حزب جمعیت و والی هرات دائر ساخت که در آن از کسانی که آنها را خارج از صلاحیت میدانست میگفت اینها دیگر نقش در افغانستان ندارد دعوت کرد و در آن اجلاس از افراد حزب جمعیت برای ادامه ریاست جمهوری و دولت انحصاری اش رای گیری کرد و وسیله ادامه دولت نام نهادش قرارداد.

مداخله خارجیها در افغانستان:

مداخله بیگانگان در افغانستان همیشه محکوم به شکست و منجر به رسوائی بوده و شده است هیچ گاهی مداخله آشکار و پازیر پرده و استتار قدرت های بیگانه حل کننده مشکل قضایای افغانستان نبوده است، سقوط رژیم مارکسیستی و دولت کمونیستی کابل که هم دست نشانده و هم مورد حمایت ۱۴ ساله و همه جانبه ابر قدرت شرق آنروز بود که در سطح جهان حمایت علنی و مداخله نظامی برای حفظ رژیم خلق و پرچم کرد و بالاخره با شکست مفتضحانه ارتش سرخ رژیم مزدور ساقط شد، بزرگترین دلیل آنست که دولت متکی بقدرت خارجی محکوم به شکست است و اگر دولت متکی بقدرت خارجی در افغانستان دوام پیدا میکرد باید رژیم وابسته شوروی — پیروز میشد، شکست خفت بار انگلیسها و رژیم دست نشانده آن دولت های دوست محمد خان و امیر یعقوب خان و ۰۰۰ شواهد تاریخی است که قدرت خارجی نمیتواند در افغانستان حاکم باشد، مداخله آشکار و حمایت علنی هند و شوروی از رژیم ربانی با کمک پرسنل فنی و ارسال مهمات نظامی

رسول هدایت

قسمت دوم

شهید مطهری

عبادت :

پاره ای از شب گاهی نصف ، گاهی ثلث و گاهی دوثلث شب را به عبادت می پردازد ، یا این که تمام روزش ، خصوصاً در اوقات توقف در مدینه ، در تلاش بود ، از وقت عبادتش نمی کاسته و آرامش کامل خویش را در عبادت و راز و نیاز با حق می یافت عبادتش بمنظور طمع بهشت و پاترس از جهنم نبود عاشقانه و سپاسگزارانه بود ، روزی یکی از همسرانش گفت تو دیگر چرا آن همه عبادت می کنی ؟ تو که آمرزیده ای ، جواب داد : آیا یک بنده ، سپاسگزار نباشم ؟ بسیار روزه می گرفت ، علاوه بر ماه رمضان و قسمت های از شعبان ، یک روز در میان روزه می گرفت دهه ، آحرماه رمضان بسترش به کلی جمع می شد و در مسجد معتکف می گشت و یکسره به عبادت می پرداخت ولی به دیگران می گفت کافی است در هر ماه سه روز روزه بگیرد می گفت : به اندازه طاقت عبادت کنید بیش از ظرفیت خود بر خود تحمیل نکنید که اثر معکوس دارد ، بارهبنایت و انزو او گوشه گیری و ترک اهل و عیال مخالف بود ، بعضی از اصحاب که چنین تصمیمی گرفته بودند مورد انکار و ملامت قرار گرفتند می فرمودند بدن شما ، زن و فرزند شما ، و یاران شما همه حقوقی بر شما دارند و می باید آنها را رعایت کنید .

در حال انفراد عبادت را طول می داد - گاهی در حال تهجد ساعتها سرگرم بود اما در جماعت به اختصار می کوشید ، رعایت حال اضعف مامومین را لازم می شمرد و به آن توصیه میکرد .

زهد و ساده زیستی :

زهد و ساده زیستی از اصول زندگی او بود ، ساده غذایی خورد ، ساده لباس می پوشید و ساده حرکت میکرد ، زیرا اندازش غالباً - حصیر بود ، بر روی زمین می نشست با دست خود از بز شیر می دوشید و بر مرکب بی زین و پالان سواری می شد ، و از این که کسی در رکابش حرکت کند به شدت جلوگیری میکرد . قوت غالبش نان جوین و خرما بود ، کفش و جامه اش را با دست خویش وصله میکرد در عین سادگی طرفدار فلسفه فقر نبود ، مال و ثروت را به ودحامه و برای صرف در راههای مشروع - می شمرد ، می گفت : **نعم المال الصالح للرجل**

الصالح چه نیکو است ثروتی که از راه مشروع به دست آید برای آدمی که شایسته داشتن ثروت باشد و بداند چگونه صرف کند و هم میفرمود :

نعم العون علی تقوی الله الغنی مال

و ثروت کمک خوبی است برای تقوا .

اراده و استقامت :

اراده و استقامتش بی نظیر بود از او بیسه یارانش سرایت کرده بود . دوره بیست و سه ساله بعثتش یکسره درس اراده و استقامت است او در تاریخ زندگی اش مکرر در شرایطی قرار گرفت که امید ها از همه جاقط می شد ولی او یک لحظه تصور شکست ، را در مختلیه اش راه نداد ، ایمان نیرومندش به موفقیت یک لحظه متزلزل نشد .

رهبری و مدیریت و مشورت

با این که فرمانش میان اصحاب بی درنگ اجرامی شد و آنها مکرر می گفتند ، چون به تو ایمان قاطع داریم اگر فرمان دهی که خود را در دریا غرق کنیم و یا در آتش بیفکنیم ، می کنیم او هرگز به روش مستبدان رفتار نمی کرد ، در کار هایی که از طرف خدا دستور نرسیده بود ، با اصحاب مشورت میکرد و نظر آنها را محترم می شمرد و از این راه به آنها شمشخیت می داد - در بدر مسئله اقدام به جنگ همچنین تعیین محل اردوگاه و نحوه رفتار با اسرای جنگی را به شور گذاشت در احد نیز راجع به این که شهر مدینه را اردوگاه قرار دهند و یا از دروازه خارج ببرند ، به مشورت پرداخت در احزاب و در تبوک نیز با اصحاب به شور پرداخت .

نرمی و مهربانی پیغمبر ، عفو و گذشتن استغفار هایش برای اصحاب و بی تابی اش برای بخشش گناه امت همچنین به حساب آوردنش اصحاب و یاران راه طرف شور قرار دادن آنها و شخمیت دادن به آنها از علل عمده نفوذ عظیم و بی نظیر او در جمع اصحابش بود .

قرآن کریم به این مطلب اشاره میکند آنحاکه می فرماید :

" به موجب مهربانی ای که خدا در دل تو قرار داده تو بایاران خویش ، نرمی نشان می دهی ، اگر تو در سختخو و سختدل می بودی ، از دورت پراکنده می شدند ، پس عفو و بخشایش داشته باش و برای آنها نزد خداوند استغفار کن و با آنها در کارها مشورت کن ، هرگاه عزمت جزم شد ، دیگر بر خدا توکل کن و تردید بخود راه مده "

نظم و انضباط :

نظم و انضباط بر کار هایش حکم فرما بود اوقاتش خویش را تقسیم میکرد و به این عمل

توصیه مینمود ، اصحابش تحت تاثر نفوذ او دقیقاً " انضباط را رعایت میکردند . برخی تصمیمات را لازم می شمرد ، آشکار نکند و نمی کرد ، مبادا که دشمن از آن آگاه گردد ، بازایش تصمیماتش را بدون چون و چرا به کاری بستند مثلاً " فرمان میداد که آماده باشید فردا - حرکت کنیم ، همه به طرفی که او فرمان می داد همراهش روانه می شدند ، بدون آن که از مقصد نهایی آگاه باشند ، در لحظات آخر آگاه می شدند ، گاه به عده ای دستور میداد که به طرفی حرکت کنند و نامه ای بسه فرمانده آنها میداد و میگفت بعد از چند روز که به فلان نقطه رسیدی نامه را باز کن و دستور را اجرا کن ، آنها چنین میکردند و پیش از رسیدن به آن نقطه نمی دانستند مقصود نهایی کجاست . و برای چه ما مورینی می روند و بدین ترتیب دشمن و حاسوسهای دشمن را بی خبر می گذاشت و احیاناً آنها را غافلگیر میکرد .

ظرفیت شنیدن انتقاد و تنفر از مداحی و چاپلوسی :

او گاهی با اعتراضات برخی یاران مواجه می شد اما بکون آن که درشتی کند نظرشان را به آنچه خود تصمیم گرفته بود جلب و موافق میکرد .

از شنیدن مداحی و چاپلوسی بیزار بود می گفت : به چهره مداحان و چاپلوسان خاک بپاشید .

محکم کاری را دوست داشت ، مایل بود کاری که انجام میدهد متقن و محکم باشد تا آنحاکه وقتی یار مخلصش (سعد بن معاذ) از دنیا رفت و او را در قبر نهادند ، او با دست خویش سنگها و خشت های او را جابجا و محکم کرد و آنگاه گفت :

من میدانم که طولی نمی کشد همه اینها خراب میشود ، اما خداوند دوست می دارد که هرگاه بنده ای کاری انجام می دهند آن را محکم و متقن انجام دهد .

مبارزه با نقاط ضعف :

او از نقاط ضعف مردم و جهالت های آنان استفاده نمیکرد ، برعکس با آن نقاط ضعف مبارزه میکرد و مردم را به جهالتشان واقف می ساخت روزی که ابراهیم پسر هیجده ماهه اش از دنیا رفت ، از قضا آن روز خورشید گرفت ، مردم گفتند ، علت این که کسوف شد مصیبتی است که بر پیغمبر خدا وارد شد ، او در مقابل این خیال جاهلانه مردم سکوت نکرد و از این نقطه ضعف استفاده نکرد ، بلکه به منبر رفت و گفت : **ایها الناس ماه و خورشید دو آیت از آیات خدا هستند و برای مردن کسی**



از: محمد امین احمدی

اعجاز قرآن

ما کافران را به قحطی و سختی مبتلا کنیم چنان که اهل آن بستان را که (در شبی) قسم خوردند که صبحگاه میوه اش را بچینند (تا فقیران آگاه نشوند) و هیچ استثنان کردند بدین سبب (همان شب) که در خواب بودند از جانب خدا عذابی نازل شد و با مدادان نخل های آن بستان چون خاکستری شد، صبحگاه یکدیگر را صدا کردند که برخیزید تا اگر میوه بستان خواهید بچینید به نخلستان رویم آنان بسوی بستان روان شده و آهسته سخن می گفتند که امروز مواظب باشید فقیری وارد نشود و صبحدم باشوق و عزم و توانایی به باغ رفتند چون باغ را به آن حال دیدند (از فرط غم) با خود گفتند (باغ مانده این است) ما قطعاً راه را گم کرده ایم، یا بلکه باغ همان است و ما به (قهر خدا) از میوه اش محروم شده ایم؟ یکی که بهترین آنان بود گفت: من به شما نگفتم چرا شکر نعمت و ستایش خدا بجا نیاوردید؟ (و به فقیران به شکرانه نعمت احسان نکنید؟) آنان همه گفتند خدای ما (از ظلم) منزه است و ما خود در حق خویش ستم کردیم بعضی از آنان بر بعضی روی آوردند و یکدیگر را ملامت و نکوهش نمودند و گفتند ای وای بر ما که سخت سرکش و گمراه بودیم (اینک به درگاه خداتوبه کرده و) امیدواریم که پروردگار ما به جای آن بستان بهتری بماند عطا کند از این پس ما به خدای خود مشتاقیم این گونه عذاب (دنیا) و البته عذاب آخرت سخت تر است اگر مردم بدانند.

شاید فضولی باشد اگر بگویم که: این آیه تصویر دلپذیری از نفس بخیل و طمع او و پشیمانی می باشد، زیرا قرآن همه اش با شکوه و دلپذیر است و هیچ سخنی در شکوه به پای آن نمی رسد و هیچ گوینده ای توان آوردن - مثل آن را ندارد.

- در این آیات چند نکته به نظر می رسد:
- ۱- توصیف فرد حریص و بی خبر از قدرت خدای متعال.
 - ۲- بیان غفلت حریص از قضای الهی و این که هر چیزی نزد خداوند روی حساب و نظم است.
 - ۳- تشریح حال و افکار کسانی که مانع کار خیر می شوند.
 - ۴- توضیح اینکه چگونه پشیمانی بعد از آگاهی و تنبه به دست می آید.
 - ۵- سپس توصیف حالت پشیمانی و به دنبال آن توبه نصوص.
 - ۶- پس از آن بیان حال امیدواری به رضایت

پروردگار.

الفاظ به تنهایی این نکات را در بر ندارند بلکه تناسب آنها با هم و لحن یک نواختشان که به عمق جانهای نشیننده همراه معانی منسجم همگی با هم طمعکاران بخیل را به تصویر می کشند که چگونه با حرص و طمع شدت و سخت آغاز می کند و به هر چیز طمع و بی حسولش برای خویش طبق طمع خویش اطمینان پیدا میکنند سپس از هر کار خیری خود را بازمی دارند و سرانجام غافلگیری می شوند.

مخفی نماند که از نحوه تمثیل چنین بدست می آید که موضوع کلی آیات درباره کسی است که بسیار از کار خیر منع می کند، زیرا که دارای ثروت و فرزند است و ثروتی را که خدایه او عطا کرده است، سبب غرورش شده است، سپس او را به کفر و تجاوز و ادا کرده است. است و سرانجام از آن نعمت محروم شده و روز قیامت در برابر عذاب دردناک قرار می گیرد البته اهل بستان که در آیه بدان اشاره رفته است فرصت امیدواری پس از پشیمانی را - داشتند اما اینان این فرصت را نیز از دست داده اند (۳)

باتا عکید می گویم که نشان دادن - اسلوب سخن قرآن و هماهنگی و تناسب معنوی که در آن پدیدار است. با این بیان میسر نیست بنابراین بهتر، بلکه لازم است که خواننده این سطور به کتابهای بسیار مفید و سودمند مخصوصاً "کتاب فوق که در این زمینه به رشته تحریر آمده اند مراجعه کند.

انسجام و هماهنگی و انسجام معنوی قرآن از نظر معنی شناختی نیز قابل اثبات است، بر اساس تحقیقات دکتر توشی ایزوتسو، محقق و اسلام شناس ژاپنی، قرآن از لحاظ معنی شناختی دارای لایه های در توتو و در هم تنیده از میدانهای معنی شناختی است که تمامی آنها در دایره بزرگ واژگان قرآن قرار دارند در کانون هر میدان از این میادین معنی شناختی مفاهیم کلیدی ای وجود دارند که این مفاهیم با مفاهیم کانونی دیگر در میدانهای دیگر در ارتباط متقابل بوده و هماهنگ اند.

شگفتی اینجاست که کانون اصلی همه میادین معنی شناختی قرآن که تمامی میادین در ارتباط معنایی با آن بوده و تحت سیطره آن قرار دارد، معنی و مفهوم الله به اصطلاح و مفهوم قرآنی آنست به عبارت دیگر واژگان قرآنی متشکل از میدانهای معنی شناختی است که در کانون آنها مفاهیم کلیدی قرآنی قرار دارند که هر یک از این میادین در محور کانون خود حوزه ای محدود و مشخص از کل واژگان قرآن را تشکیل میدهند در ثانی این میادین و کانونهای

انها در ارتباط معنایی با یکدیگر قرار دارند به گونه ای که به لحاظ مفهومی و معنایی مکمل یکدیگر بوده در معنی و مفهوم نسبی (نه اساسی یکدیگر) دخیل اند، در ثالث تمامی این مجموعه در دایره ای بزرگ و در یک میدان وسیع معنی شناختی (الله) قرار دارند و میتوان گفت که (الله) کانون همه آنهاست و بر همه مستولی می باشد، چهارم اینکه علاوه بر ارتباط های فوق هر دو تای از این میادین معنی شناختی در تقابل با یکدیگر، دو قطب تصویری متقابل را نیز تشکیل می دهند، فی المثل الله و انسان به عنوان و کانون (دو میدان معنی شناختی دو قطب متقابلند: هر چند خدا کانون هستی بوده و در مرکز آن قرار دارد و بر همه میدانها معنی شناختی و کل دستگاه مستولی است، مع ذلک از میان مخلوقات انسان طرف توجه خاص در قرآن قرار گرفته است. اندیشه قرآنی به عنوان یک کل با مسئله نجات و رستگاری موجودات بشری سروکار دارد که اگر این مسئله نبود هرگز کتاب فرو فرستاده نمی شد.

اکنون برای اینکه مقصود را روشن تر و مستند تر رسانده باشیم قسمت هایی از کلام ایزوتورا عیناً "نقل می کنیم" این کلمات (الله) اسلام، نبی، امام، کافر و نظایر آنها) میان خود گروه های گوناگون بزرگو کوچک می سازند که این گروه ها نیز بار دیگر از راه های مختلف با هم پیوند پیدا می کنند و سرانجام یک کل سازماندار و یک شبکه بسیار پیچیده و درهم پیوستگیهای تصویری از آنها فراهم می آید (۲) ۰۰۰ اگر واژگان قرآنی را با واژگان پیش از اسلامی به عنوان یک کل مقایسه کنیم، بلا فاصله متوجه خواهیم شد که در قرآن کلمه الله کانون والایی است که نه تنها بر میدان معنی شناختی خاص داخل واژگان حکومت دارد بلکه بر سراسر واژگان مشتمل بر همه میدانها معنی شناختی یعنی همه دستگاههای تصویری مندرج در زیر قرآن مستولی است. ۰۰۰ در این نظام جدید تنها آن تصورها که مستقیماً "با دین و ایمان ارتباط دارند بلکه همه اندیشه های اخلاقی و حتی تصورات نماینده دنیوی ترین جنبه های زندگی آدمی، همچون زناشویی، طلاق، ارث و مسایل بارزگانی، قرارداد بستن، وام، ربا، اوزان و مقادیر و غیره در ارتباط مستقیم با تصور خدا قرار گرفته اند.

اکنون برای قرآن بدین منظور به عنوان یک معناشناس، نخستین و نیرومندترین احساس و تواتر برای من حاصل میشود



بقیه از: ابجد شخصیت ...

و ذره ای به امانت خیانت نمیگرد و از خیانت پیشگان به حقوق ملت، حیثیت جامعه و عرض و آبروی مردم شدیداً نفرت داشت، وقتی می شنید کسی از اموال مردم یابیت المال سوء استفاده نموده بسیار برآشفته می شد، هنگامی مطلع میگردید کسی حیثیت و عفت خانواده ای را لکه دار کرده و آبروی فردی را برده است خیلی ناراحت میشد، وقتی آگاه میگردید که مسئولیت ویستی را به فرد نااهل و بی کفایتی سپرده است زیاد متاءثر می شد.

۱۳- صراحت لهجه

پیشوایان دین، رهبران، سیاستمداران و صاحبان مکاتب، هدف، آرمان و عقیده شان را با شیوه و روش های مختلف به جامعه بییان میدارند، انبیاء الهی و آنانی که راه آنان را دنبال میکنند اصول، معتقدات و برنامه شان را با صراحت و بدون لفافه تبلیغ مینمایند و چیزی را از مردم پنهان و مخفی نمیدارند، ریز و درشت مسایل اجتماعی، سیاسی و نظامی را با ملت در میان می گذارند و دسته ای از رهبران مکاتب سیاسی چپ و راست مردم را در جریان بعضی مسایل و شمه های از مطالب قرار میدهند و برنامه مهم و حیاتی را از آنان پوشیده نگاه می دارند.

قرآن کریم خاطر نشان می سازد که پیامبر اسلام (ص) اصول اعتقادی، خط فکری، برنامه اجتماعی و سیاسی حکومتی خویش را صریح به مردم اعلام میداشت:

قل هذه سبیلی ادعوا الی الله علی بصیره اننا ومن ابنتی (۲۹)

بگو این راه من است که من و پیروانم با بصیرت کامل همه مردم را به سوی خدا دعوت می کنم. شهید بزرگوار مزاری، از هنگام قدم نهادن در وادی مبارزه تالحمظه اسارت و شهادت، برنامه کاری اش بر پایه (صراحت لهجه) پی ریزی شده بود.

ایشان زمانی که در حوزه علمیه قم مشغول تحصیل بود، صادقانه و صریح با مردم برخورد می نمود، تزویر، ریاپورده پوشی در قاموسش نبود، هنگامی که تشکیلات راه انداخت نیز اهداف و خواسته اش را روشن منعکس می داشت، زمانیکه در ریافت پراکندگی و نفاق داخلی سبب بازدارندگی رشد ملت گردیده و دنبال ایجاد وحدت و انسجام ملت راه افتاد، مسایل و آرمان حزب وحدت را صریح بیان مینمود و زمانی که

مسئله تشکیل دولت موقت توسط گروه های مقیم پاکستان مطرح گردید قاطعانه ایستاد که خواست ما اینست، و روزی که در غرب کابل گام نهاد، خواستهای مردم را به رسمیت شناخته شدن مذ هب، سهم گشتن در قدرت، تقسیمات کشوری، بر اساس نفوس و رعایت عدالت اجتماعی در تمام زمینه های و ... بدون در نظر داشت مصلحت سنجی های دیپلوماسی با صراحت از رسانه ها در ملاقاتها سخنرانی ها، صحبت ها و مصاحبه ها بازگو میداشت و ...

پادش در تاریخ خونبار ملت ماگراسی، اندیشه بلند مستدام، راهیان راهش پیروز و موفق، مریدان و پیروانش روز افزون و دشمنان و قاتلانش ذلیل و نابود باد.

والسلام

پانویسها:

- ۱- اعلی ۱۴
- ۲- فاطر ۱۸
- ۳- اسرا ۲۹
- ۴- طه ۱۳۰
- ۵- دهر ۶
- ۶- نهج البلاغه فیض الاسلام ص ۱۱۱۷
- ۷- نحل ۹۱
- ۸- مجمع البیان ج ۶ ص ۵۹۰
- ۹- مفردات راغب ۳۳۲
- ۱۰- محجه البیضا ۲۷ ص ۳۵۶
- ۱۱- محجه البیضا ۲۷ ص ۳۵۶
- ۱۲- محجه البیضا ۲۷ ص ۳۵۶
- ۱۳- نهج البلاغه نامه ۴۵ فیض الاسلام ص ۹۶۶
- ۱۴- نهج البلاغه نامه ۴۵ فیض الاسلام ص ۹۷۱
- ۱۵- لقمان ۳۳
- ۱۶- محجه البیضا ۲۷ ص ۲۲۱
- ۱۷- رر رر ۲۲ ص ۲۲
- ۱۸- نهج البلاغه کلمات قصار ۲۴ فیض الاسلام ص ۱۱۱۰
- ۱۹- نهج البلاغه کلمات قصار ۱۶۷ ص ۱۱۶۹
- ۲۰- فتح ۲۹
- ۲۱- نهج البلاغه نامه ۴۵ فیض الاسلام ص ۹۷۱
- ۲۲- نهج البلاغه نامه ۳۸ فیض الاسلام ص ۹۵۱
- ۲۳- نهج البلاغه کلمات قصار ۴۳۵ فیض الاسلام ص ۱۲۹۲
- ۲۴- شوری ۴۰
- ۲۵- مجمع البیان ج ۹ ص ۵۱ چاپ جدید
- ۲۶- حشر ۹
- ۲۷- نساء ۵۸
- ۲۸- تفسیر نور الثقلین ج ۱ ص ۴۹۶
- ۲۹- یوسف ۱۰۸

بقیه از: رژیم کابل پس از سقوط هرات

و این بار صادقانه تسلیم خواستهای مشروع ملیتها گرد و آنچه را که تا حال از دادن آن ابدا می ورزید و قدرت را کاملاً در انحصار داشت و اگر انرا نمایند و این تنهاره نجات است ورنه نیروهای مخالف که کابل را در محاصره کامل گرفته عمل فیصله کن خواهند نمود.

۴- با سرنگونی رژیم ربانی که عنقریب خواهد بود باز هم قضیه افغانستان حل نخواهد شد ولی بانهم گامیست در جهت صلح، زیرا گروه نام نهاد طالبان که هرات و چند ولایت غرب کشور را با هم با اثر نیرنگ و پستی بیرون مرز بدست آورده که فاقد ارزش نظامی است چندان تفاوتی با اندیشه انحصاری و فاشستی مسعود ربانی ندارند و تا از محتوای مصاحبه ها و عملکردهای حائینانته و پیمان شکنی و وابستگی شان در بیرون مرزها این نتیجه بدست می آید که آنها نیز اولاً - غیر از خود کسان دیگری را تحمل ندارند و از سوی دیگر آنها تحت فرمان بیگانه هستند و اراده از خود ندارند و نمیتوانند بر اساس معیارهای مفادات کشور تصمیم بگیرند.

چنانچه رژیم ربانی صراحتاً " دخالت پاکستان را در امور داخلی افغانستان مدرکاً " ادعا مینماید و درین راستا سفارت پاکستان در کابل به آتش کشیده شده و سفران کشور مورد ضرب و جرح قرار گرفته و یکتن از کارکنان سفارت بقتل میرسد، از جانب دیگر پاکستان رژیم ربانی را همکار هندوستان و روسیه قلمداد نموده و گفته (ختک خان) رهبر ملی گرایان پشتون پاکستان که خود از طرفداران دولت فعلی است میگوید: بنظر میرسد پاکستان از انکشاف خبر دخالت پاکستان به بدلائل سیاسی نقش دارد تا راضی گردید.

بهر حال از وضعیت کلی سیاسی نظامی در افغانستان بر می آید که قضایای افغانستان و حل بحران آن از حیثه کنترول افغانها خارج و در قالب دو قطبی از کشورهای همسایه و خارجی قرار گرفته و آنهاست که در ادامه بحران و با حل معضله بایست تصمیم بگیرد چرا که اینطور مشخص شده است که تعدادی از کشورهای خارجی از رژیم ربانی حمایت مینمایند و تعدادی هم بشمول پاکستان از جنبش طالبان درین میان مردم افغانستان است که اسیر این و آن شده است.

پایان ۲۳ ر ۶۳۷۴



گزیده اخبار

درگیریهای غرب افغانستان
بی بی سی ۱۲ ابر ۱۳۷۴

در تاریخ ۱۲ ابر ۱۳۷۴ نیروهای طالبان پسران تصرف میدان هوایی شیندند و لسوالی ادرسکن را اشغال کردند و بطرف ولسوالیه‌های پستون زرغون هرات درحال پیشروی هستند و دولت افغانستان سقوط پایگاه هوایی شیندند را تأیید کرد ولی افزود که نیروهای تازه نفوس از میدان هوایی بگرام اعزام شده تاشیندند راپس بگیرند.

× موسوی ترکستانی نماینده جنبش ملی اسلامی افغانستان خبر داده که قوای شورای هماهنگی ولایت بادغیس را تصرف کرده اند. طبق گزارش بی بی سی نیروهای اسماعیل خان بدون هیچ گونه مقاومتی پایگاه شیندند را تسلیم نیروهای طالبان کردند و سقوط پایگاه شیندند که در غرب افغانستان اهمیت کلیدی دارد برای نیروهای ربانی یک فاجعه است و پیشروی بسوی هرات ادامه دارد.

خبرنگاری بی بی سی از کابل میگوید که:
سقوط شیندند و تحولات اخیر برای دولت کابل فاجعه آمیز است و نیروهای دولتی نه تنها پایگاه هوایی مهمات آنرا برای رقبای خود واگذار کرده اند که برای حفظ هرات دشواری های زیاد دارند و هم اکنون ابتکار نظامی بدست نیروهای مخالف آنان افتاده است و خبرهای رسیده حکایت دارد که نیروهای مخالف ربانی در شهر بامیان نیز حمله کرده اند و در حمله تصرف میدان شیندند تعداد زیادی هواپیما و مهمات بدست گروه طالبان افتاده است و بد نظر کارشناسان خارجی در امور نظامی نیروهای ربانی چهل و هشت ساعت وقت دارند تاشیندند راپس بگیرند و در غیر آن صورت طالبان خط دفاعی محکم را بوجود خواهند آورد و بطرف هرات حرکت خواهند کرد، درین رابطه خبرنگاری بی بی سی از منان نیازی سخنکوی طالبان پرسید که گفته میشود که عملیات نظامی شما با همکاری نیروهای جنرال دوستم صورت گرفته آیا صیحت دارد؟

ج : منان نیازی گفت : اصلاً "این حرف صحت ندارد و وجود ندارد" قبلاً هم گفته بودیم که با هیچ هماهنگی با شورای جنبش ملی اسلامی نداشته ایم و نداریم و اعتقاد به همجواری است و هماهنگی هانداشته و نداریم.

و خبرنگاری بی بی سی : اگر چه طالبان چنین ادعای تکذیب میکنند ولی ناظران درین مورد به اقدام هواپیماهای بمب افکن جنرال دوستم

اشاره دارد که بطور همزمان در روزهای اخیر با حملات زمینی طالبان فرودگاه شیندند و هرات را بمباران کردند و ناظران میگویند که پیشرفت طالبان دست کم بدون یک تفاهم ضمنی ممکن نبوده چنانچه سخنگوی جنرال دوستم هم امروز بای بی بی سی گفت که نیروهای شمال با حملات هوایی خود به همکاری حملات زمینی طالبان پرداخته اند و پیشروی طالبان هم زمان بود با انتشار گزارش‌هایی که صورت گرفت مبنی بر سفر یک هیئت از تکنسین‌های هواپیمائی پاکستانی به مزار شریف در شمال افغانستان که پایگاه جنرال دوستم است اما یک سخنگوی دولت ربانی علت پیشروی گروه طالبان را ضعف سربازان وظیفه دانست که خطوط دفاعی را در شیندند رها کرده اند.

لیل ۱۲ ابر ۱۳۷۴ بی بی سی

شهر هرات، در غرب افغانستان بدست نیروهای طالبان افتاد و اسماعیل خان والی هرات شهر را ترک کرده و وارد ایران شده است و طبق گزارش از کابل ارتباط رادیویی دولت ربانی با هرات دیشب قطع گردیده است. و سایر گروه‌های مخالف با استفاده از پراکندگی و سردرگمی در شماری از جبهات دیگر مشغول پیشروی هستند از سمت شمال جنرال دوستم با حرکت بسوی جنوب غرب ظاهراً می‌خواهد با نیروهای طالبان در هرات روبرو شود، بر اساس گزارش دیگر حزب وحدت نیز مرکز مهم و استراتژیک یعنی شهر بامیان را تصرف کرده اند و منابع میگویند که جنگ‌های پراکنده در میان نیروهای حزب اسلامی و نیروهای دولتی در نزدیکی های کابل نیز جریان دارد.

دولت ربانی میگوید که سازمان اطلاعات ارتش پاکستان طراح اخیر و حامی نیروهای طالبان هستند که از بزرگترین دشمنان دولت ربانی ضمن تأیید سقوط هرات میگویند که این کار توسط ملیشه های پاکستانی صورت می گیرد و باعث سقوط شهر هرات شده است.

ولی میگویند که نیروهای دولت ربانی در ولسوالی های هرات موضع گرفته اند و فعلاً در آنجا، جا بجا هستند. سخنگوی ربانی گفت طالبان نه از خوداراده دارند و نه تصمیمی فقط از آن آنها استفاده میشود، خبرنگار پرسید ممکن است مشخص تر بفرامائید که چه مدرکی در دست دارید درین زمینه، در جواب گفت مدارکی که وجود دارد اینست که چندی قبل که میدان شیندند و هرات بمباران میشد طیاره ها مواد سوختی خود را از کویته میگرفت و دوسه شب قبل کامیونهای از مواد و مهمات بطرف هرات می‌رفتند و فن در هرات سوق داده میشد.

خبرنگار پرسید که آیا اسماعیل خان و نیروهای شما تسلیم طالبان شدند؟
در جواب گفت : به هیچ وجه و هیچکس تسلیم نیروهای طالبان نشدند و انشالله در آینده

نزدیک تحولات سریع رخ خواهد داد.

خبرنگار پرسید چطور شد که اسماعیل خان با این مهمی جمعیت اسلامی هرات را به این راحتی تحویل طالبان داد؟
در جواب گفت : مسئله تحویل نیست، بلکه نیروهای از بیرون با امکانات سرازیر شد با پول و دلار ۰۰۰ باعث این شد که این وضعیت بمیان بیاید.

خبرنگار پرسید؟ عده از ناظران میگویند که مسئله سقوط حوزه جنوب غرب در اثر اختلافات میان احمد شاه مسعود و اسماعیل خان صورت گرفته آیا این حقیقت دارد؟
در جواب گفت : در بین اسماعیل خان و مسعود هیچ نوع اختلاف نبوده و اینها در طول جهاد همکاری داشته و بعد از پیروزی انقلاب هم همکاری داشته و تفاهم بوده ۰۰۰ بعداً "خبرنگاری بی بی سی مصاحبه را در رابطه با نقش پاکستان در قضیه اخیر با افراسیاب ختک رهبر ملی گرایان پشتون در پاکستان میکند و ایشان از طرفداران دولت بی نظیر بوتواست ظاهراً" تأیید میکند که پاکستان درین امر نقش داشته است ولی این امر علت سیاسی دارد:

ختک : تا جاییکه در کس العمل یا نقس پاکستان درین انکشاف ربط دارد ما فکر میکنیم که حکومت پاکستان ازین انکشاف ناراضی نخواهد بود چرا که تیرگی در مناسبات حکومت پاکستان و اداره کابل از حد زیاد بالا رفته بود و این امر واضح است که اسماعیل خان یک متحد بسیار واضح و عمده اداره کابل بود اگر چه وزیر خارجه پاکستان (اصف احمد علی) ماه گذشته به مذاط مختلف افغانستان از جمله کابل و هرات دیدار داشته ولی این مذاکرات کابل و هرات باعث از بین بردن خصومت بین کابل و اسلام آباد شد.

مشاهدین سیاسی نظر دارند که مذاکرات سردار اصف احمد علی با احمد شاه مسعود در ماه گذشته در کابل با تلخی زیاد انجامیده بود.

حکومت پاکستان ادعا داشته است که اداره کابل با حریف عنعنوی پاکستان یعنی هند مناسبات خصوصی تأیید کرده و در پلان های ضد پاکستان سهیم شده است، دوم حکومت پاکستان نظری داشت که موضع گیری آقای احمد شاه مسعود مانع عمده در حل سیاسی مسئله افغانستان است و سقوط هرات می تواند آنها را میل به یک واقع بینی بسازد تا در موضع گیری شان یک اندازه انعطاف بدین بیدارید و زمینه برای حل سیاسی مسئله هموار گردد تا جاییکه نقش سازمانهای استخباراتی ارتباط دارد، این ادعای بوده که همیشه از جوانب مختلف مناقشه افغانستان بریگدیگر وارد شده مگر تا هنوز ثبوت شواهد در دست نیست که واقعا " اینطور شده باشد".

سؤال : حالا فکر میکنید که دولت پاکستان در آینده می‌خواهد چه نوع حکومتی در افغانستان روی کار باشد و چه نوع آیین سیاسی را برای افغانستان ترسیم میکند؟
ج : بالعموم در اینجا اینطور فکر میشود



بقیہ از: تراجم قرآن

آنست که دستگاہ قرآن یک دستگاہ چندلایه است که بر روی عده ای از تقابلہای تصویری اساسی قرار گرفته که ہر یک از انہایک میدان معنی شناختی خاص می سازد اگر بخواہیم بسہ شکل غیر معنی شناختی نصر حدیرا بیان کنیم باید بگویم کہ برای من این احساس و تاثر حاصل میشود کہ در این حادہر جهانی دیگر قرار دارم کہ بر آن خونیرومندی از فشار و تنش حکومت میکند در جہان جدید اسلام تنش درامسی و روحانی کہ بہ آن اشارہ کردم اگر بہ لحاظ معنی شناختی سخن گفته شود در نتیجہ رابطہ خاص میان دو قطب تصویری خدا و انسان بہ وجود آمد (۴)

سپس انواع رابطہ های کہ میان خدا و انسان در قرآن مطرح است می شمارد .

انسجام و ہمآہنگی معنوی قرآن کہ در -

آینہ الفاظ آن بہ صورت شکوہ مند ظاہری

گرد بہ تعالی مضامین و معارف آن در ہم

آمیختہ است ، قرآن تنہا پیامہای خود را در -

قالب تصویرہای معنوی زنده و محسم و دارای

تناسب و ہمآہنگی دقیق نریختہ است بلکہ

علاوہ بر آن سطح وافق اندیشہ و پیام خود را -

نیز تہ الی بحشیدہ است در این کتاب

مضامین دقیق فلسفی در بارہ ، عالم عیب

بقای روح و حشر محدود انسان و ۰۰۰ بابرہین

روشن مطرح شدہ است ، فی المثل در توحید

بہ گواہی محققین آیاتی چون (ہو الاول والاخر

والظاہر والباطن و ہوبکلشی علیم) اوست

اول و آخر و ظاہر و باطن و او بہ ہر چیزی داناست

جدید (۳) فسبحان الذی بیدہ ملکوت کل شی

والیہ ترجعون منزہ است آن خدایی کہ ملکوت

ہر چیزی (باتوجہ ، ملکوت ہر چیز و عموم -

واستفراقی کہ دارد) بہ دست اوست و ہمہ

بہ سوی او باز گردانندہ میشود ، یس (۸۳) -

ہو معکم اینماکنتم کہ از این معیت بہ معیت

قیویدہ تعبیر کردہ اند و آیاتی ، دیگر مرتبہ

ای از معرفت را در اختیار اہل تعمق کہ در -

ژرنای حقایق عور میکند قرار دادہ اند کہ

متفکرین ، فلاسفہ و عرفای بزرگ از قرنہا

محاہدہ وسلوک معنوی واستدلال توانستند

بہ نعمت فہم آنہا نائل شوند .

این وجہ از عظمت قرآن با ملاحظہ ،

سبک بدیع و بی مانند قرآن در القای این

حقایق بیش از پیش مایہ شکفتی است ، چہ

سبک آن در بیان این معارف ، بیان تحریر

گونہ فلسفی کہ معانی را در عبارات تحریری

و معتقد بیان میکند ، نیست بلکہ علاوہ بر

اینکہ عقل را بابرہان راضی می کند (آیاتکیہ

در انہا بر معارف و حقایق فلسفی چون توحید

خداوند اثبات وجود آن و اثبات معاد و ۰۰۰

استدلال شدہ است فراوان است) بہ ذوق -

انسانہا از حلاوت و شیرینی معنابہ توسط

صنایع ادبی خود می چشاند بہ گونہ ای کہ

معناباسطوت و شکوہ تمام ، عقل ، خیال

احساس و ذوق شنوندہ را در خود غرق میسازد

بہ عبارت دیگر در تمامی افق اندیشہ ، خیال

و احساس او ظاہر میگردد .

لذا معانی متعالی خود حتی برہان و جدل

را در قالب صور حسی کہ معنار ابرای شنوندہ

ممثل و محسم میکند بیان کردہ است فی المثل

اگر بخواہیم تنفر شدید عده ای را از ایمان

بصورت تحریری بیان کنیم چنین خواہیم

گفت " آنہا بہ شدید ترین وجہ از پذیرش

دعوت ایمان تنفر دارند " اما قرآن آنرا بہ این

گونہ بہ تصویر می کشد : **فالمہم عن التکرہ**

معرضین کانہم حمر مستنفرہ فرت من قورہ

ترجمہ : چرا از این یادآوری روی میگردانند

گو یا خرا نند کہ از شیر می گریزند ؟ !

بقیہ از: اصول ہدایت

نمی گیرند .

واجب بودن شرایط رہبری :

شرایط رہبری ، از حس تشخیر ، قاطعیت

عدم تردید و دودلی ، شہامت ، اقدام و بیسم

نداشتن از عواقب احتمالی ، پیش بینی و دور

اندیشی ، ظرفیت تحمل انتقادات ، شناخت

افراد و تواناییہای آنان و تفویض اختیارات در -

خور تواناییہا ، نرمی در مسائل فردی و صلابت

در مسائل اصولی ، شخصیت دادن بہ پیروان

و بہ حساب آوردن آنان و پرورش استعداد ہا فی

عقلی و عاطفی و عملی آنہا ، پرهیز از استبداد

و از میل بہ اطاعت کورکورانہ ، تواضع و فروتنی

سادگی و درویشی ، وقار و متانت ، علاقہ شدید

بہ سازمان و تشکلات برای شکل دادن و انتظام

دادن بہ نیروہای انسانی ، ہمہ را در حد کمال

داشت می گفت :

اگر سہ نفر با ہم مسافرت می کنید ، یک

نفرتان را بہ عنوان رہبر و فرماندہ انتخاب

کنید . در دستگاہ خود در مدینہ تشکلات حاصی

ترتیب دادا از آن حملہ جمعی دبیر بوجود آوردو

ہر دستہ ای کار مخصوصی داشتند ، برخی کتاب

وحی بودند و قرآن را می نوشتند ، برخی متصدی

نامہ های خصوصی بودند ، برخی عقود و معاملات

مردم را ثبت میکردند ، برخی دفاتر صدقات

و مالیات را می نوشتند ، برخی مسئول عہدنامہ

ہا و پیمان نامہ ہا بودند ، در کتب تواریخ از

قبیل " تاریخ یعقوبی " و " التنبیہ والاشراف "

مستعودی و " معجم البلدان " بلاذری و طبقات

ابن سعد ، ہمہ اینہا ضبط شدہ است .

روش تبلیغ :

در تبلیغ اسلام سہلگیری بود ، نہ

سختگیر ، بیشتر بر بشارت و امید تکیہ میکرد

تا بر ترس و تہدید ، بہ یکی از اصحابش کہ برای

تبلیغ اسلام بہ یمن فرستاد دستور داد کہ

" **یسرولا تعسرو و یسرولا تنفر** " یعنی آسان

بگیر و سخت نگیر ، نوید بدہ ، میلیہا را تحریک

کن و مردم را متنفر ساز :

در کار تبلیغ اسلام تحریک داشت ، بہ طائف

سفر کرد در ایام حج در میان قبایل می گشت

و تبلیغ میکرد یکبار علی (ع) و بار دیگر (معاد

بن جبل) را بہ یمن برای تبلیغ فرستاد

(معصب بن عمیر) را پیش از آمدن خودش برای

تبلیغ مردم مدینہ بہ مدینہ فرستاد ، گروہ

فراوانی از یاران شرا بہ حبشہ فرستاد ، انہا

ضمن نجات از آزار مکیان ، اسلام را تبلیغ کردند

و زمینہ اسلام (آوردن) نجاشی (پادشاہ

حبشہ) و نیمی از مردم حبشہ را فراہم کردند

در سال ششم ہجری بہ سران کشورہای جہان

نامہ نوشت و نبوت و رسالت خویش را بہ آنہا

اعلام کرد ، در حدود صد نامہ از او باقی است

کہ بہ شخصیتہای مختلف نوشته است .

تشویق بہ علم

بہ علم و سواد تشویق میکرد ، کودکان

اصحابش را و ادار کرد کہ سواد بیاموزند ، برخی

از یاران شرا فرمان داد زبان سریانی بیاموزند

می گفت : دانشوی ، برہر مسلمان فرشی

و واجب است وہم فرمود (حکمت را در ہر کجا

و در نزد ہر کس ولومشک یا منافق یافتید از او

اقتباس کنید وہم فرمود علم را جستجو کنید

ولومستلزم آن باشد کہ تاچین سفر کنید .

این تاکید و تشویقہا در بارہ ، علم

سبب شد کہ مسلمین باہمت و سرعت بی

نظیری بہ جستجوی علم در ہمہ جہان -

پرداختند ، آثار علمی را ہر کجا یافتند بہ دست

آوردند و ترجمہ کردند و خود بہ تحقیق

پرداختند و از این راہ علاوہ بر این کہ حلقہ

ارتباطی شدند میان تمدنہای قدیم یونانی

و رومی و ایرانی و مصری و ہندی و غیرہ و تمدن

جدید اروپایی ، خود یکی از شکوہ مند ترین

تمدنہا و فرهنگہای تاریخ بشریت را آفریدند

کہ بہ نام تمدن و فرهنگ اسلامی شناختہ

شدہ و میشود .

گزیده اخبار

که یکدفع حکومت در افغانستان تان روی کار بیاید که پلان های هندو و دیگر کشورهای مخصوص پاکستان نباشد، این معیاری است برای حکومت پاکستان.

بعد از سقوط هرات ۱۵ ر ۲۴

دولت ایران با سازمان ملل توافق کردند که برنامه بازگرداندن مهاجرین افغانی را از آن کشور به تعویق بیاندازد و گذار شه احاکمی است که اسماعیل خان هنگام ورود به ایران که همراه او یک هزار نفر دیگر نیز بوده است بعد از ساعت ها انتظار در پشت مرز خلع سلاح اینها توسط مقامات مرزی ایران، مقامات ایرانی آنها را در یکی از اردوگاههای مهاجرین افغانی در چند کیلومتری داخل ایران حبس کردند و برای آواره گان تازه مرز خود را با افغانستان بسته کردند در حالیکه فعلا "در تمام مرزهای مشترک ایران و افغانستان نیروهای طالبان مستقر شده اند و بدون شک نگرانی های امنیتی ایران را که درین اواخر روابطش را با دولت ربانی تقویت کرده بود دامن خواهد زد و چنانچه روزنامه انگلیسی زبان چاپ تهران نوشته است که از آنجائیکه پاکستان طالبان را تجهیز و هدایت میکند اسلام آباد باید مسئولیت اقدامات طالبان را قبول کند (اکسپرس) (تاجی)

جنرال عظیمی که مربوط به نیروهای اسماعیل خان در شهر هرات بود در مصاحبه با بی بی سی علت سقوط هرات و شیندند را بدوش اسماعیل خان انداخت و گفت که فعلا مسئولیت حوزه جنوب غرب بمعهده علاءالدین و اوو جنرال افضل است و اسماعیل خان را به خاطر خیانت که مرتکب شده در جنگ و سقوط هرات بر طرف کرده اند و این مسئله را با مسعود و ربانی نیز مشوره کرده و آنها نیز تأیید کرده اند. طبق یک خبر دیگر مسافری که از طریق هرات قندهار وارد کوئته پاکستان گردیده اند میگویند که در مسیر راه هرات تا قندهار سه دایمی شمار جنازه های نیروهای اسماعیل خان و پنج شیریه ها را دیده اند که در دو طرف حاده پیدا کرده اند و سوخته آن تمام منطقه را فرا گرفته است و کسی نیست که آنها را جمع نمایند.

پایان

در سراسر افغانستان حکومت نماید در طول این مدت فقط در چند ولایت حاکمیت داشت با اینکه برای بقاء ریاست جمهوری اش کابل را خاکدان تبدیل کرد و هزاران خانواده را بی سرپرست نمود و از هستی ساقط کرد و ولی مسلم است که کابل هم از دستش گرفتند خواهد شد و جنگ حکومت او را حفظ نخواهد توانست.

راه صلح کدام است ؟

فقط تفاهم و هماهنگی راه حل است و همدیگر را قبول کردند و برای همه محاهدین و ملیت ها حق قایل شدن و همه را در اداره کشور سهم دادن راه حل معضله و معمای مشکله افغانستان است و این کلید پیروزی و صلح است آنوقت قضیه افغانستان حل خواهد شد و حکومت سراسری مستقر خواهد گردید و صلح و امنیت برقرار خواهد شد که تمام گروهها و تمام ملیت ها و همه مسلمانان سنی و شیعه در آن شرکت داشته و تأیید نمایند و از دل و جان پذیرفته در راه آن فداکاری نمایند و برای باز سازی و اعمار مجدد کشور سعی و تلاش نمایند آنوقت است که میشود اسلحه های ثقیله و خفیفه را از دست مردم گرفته به حکومت و دولت تسلیم نماید، ملت مسلمان عرض تفنگ بیل کلنگ را بدست گرفته، عوض جنگ بازوبه باز و بر رویه تعاون و همکاری، اخوت و برادری با حسن نیت و خوشبینی با ارمان و آرزوی زندگی و زندگی سالم با قلب مطمئن مشغول کار شوند، نیروهای صلح سازمان ملل که فعالیتش تا حال در افغانستان ناکام است وقتی شمر بخش میشود که برای صلح در افغانستان برنامه و نقشه ارائه نماید که مورد قبول ملیت های افغانستان بوده و خواست همه محاهدین و مسلمانان ساکن آنکشور را بر آورده نماید. نه اینکه طرح استعماری قدرت های شیطانی را ارائه بدهد و بهره های از پیوستش تعیین شده را که با مردم هماهنگ نیست علم نماید که پیش نخواهد رفت و همیشه باشکست روبرو خواهد شد، با این اوضاع و احوال و کشمکش های که در اثر دخالت های پیدا و پنهان بیگانگان بوجود آمده و هیچگونه افق روشنی که نوید بخش صلح و امنیت باشد وجود ندارد معلوم نیست که افغانستان به کجا میرود ؟

بنیاد اندیشپایان

اعلامیه حزب وحدت اسلامی افغانستان

حزب وحدت اسلامی افغانستان به نمایندگی از شخصیت سیاسی و حقوقی یک قشر ملت خویش با تاء ترازا هانت به نمایندگی سیاسی ملت برادر پاکستان در کابل حمله و به حریق کشانیدن این مرکز روابط سیاسی و دیپلوماتیک دولت را محکوم مینماید. سازماندهی تظاهرات، حمله بر سفارتخانه و قتل و جرح پرسونل دیپلوماتیک آن علاوه بر آنکه بزرگترین اهانت به شخصیت حقوقی، سیاسی و روابط دیپلوماتیک ملت ها محسوب میشود، نقض کننده حق مصئونیت دیپلوماتیک در چوکات حقوق بین الدول نیز تلقی میگردد، حزب وحدت اسلامی افغانستان

بقیه از : افغانستان به کجا میرود ؟

و جنگی برای رژیم ربانی و چاپ نوت بانگ و پول بی پشتوانه کاغذ های رنگ دار بانقش و نگار و قرار دادن آن در اختیار رژیم ربانی نمیتواند رژیم ربانی را حفظ نماید که قطعاً دیر یا زود شکست خورده و ساقط میشود و یقیناً "کمک های مالی ریال های سعودی و دلارهای آمریکایی نمیتواند گروه دیگر را بقدرت رسانده و حفظ نماید."

حکومت تک حزبی و قومی

بر همه واضح و روشن است که در افغانستان احزاب جهادی زیاد و ملیت های زیاد موجود است که همه در جهاد نقش داشتند و از مصایب افغانستان رنج بردند و عذاب کشیدند که طبعاً باید در پیروزی و دولت افغانستان سهم داشته باشند و مسلم است که هیچ حزبی و هیچ ملیتی به تنهایی نمیتواند در افغانستان حکومت نماید و صلح و ثبات را در این کشور برقرار نماید، ربانی و مسعود برای حاکمیت تک حزبی تلاش زیاد و جنایت بی شمار نمود می خواستند حکومت تک حزبی جمعیت اسلامی را با پشتوانه ملیت تاحیک پنجشیری و بدخشی و اخیانا "هراتی در افغانستان قایم سازد، با کمال بی حیائی و پیرروئی تمام شعائر های دوره جهاد را از یاد برد و بفراموشی سپرد تحت شعار زیبا و گیرائی " دولت اسلامی " با همکاری سیاف و هابی پشتون پغمانی و استخدام مزدوران چون ابوالحسن فاضل و شیخ محمد اکبری و سید مصطفی کاظمی که از حزب وحدت اسلامی و مردم هزاره جدا ساخته بخیا این حکومت انحصاری خود را میتواند مستحکم نماید که حیز بد نامی و سقوط و سرنگونی رژیم و خرابی و ویرانی افغانستان چیزی حاصل نخواهد شد اخیانا " اگر حزب و گروه دیگری و ملیت و جماعت دیگری همان روش ربانی را انتخاب نماید و همانند ربانی و مسعود برای حکومت و حاکمیت مطلقه تک حزبی و تک ملیتی در افغانستان تلاش نماید و اگر از پشتوانه و حمایت خارجی هم برخوردار باشد همانند ربانی و مسعود شکست خواهد خورد و روی صلح و آسودگی را نخواهد دید جز سواشی برای خود و خرابی برای افغانستان چیزی در دست نخواهد داشت.

جنگ راه حل نیست

همانطوریکه بارها و بارها رهبر شهید حزب وحدت اسلامی حجت الاسلام والمسلمین عبدالعلی (مزاری) قدس سره در سخنرانی ها و مصاحبه ها اعلام کرد و بیان داشت که جنگ راه حل قضیه افغانستان نیست واقعیت همین است که جنگ نمیتواند معضله افغانستان را حل نماید. آقای ربانی بیش از تصور جنگ را در سراسر کشور و مخصوصاً در شهر کابل بر اه انداخت کابل را بویرانه و کشور را بخرابه تبدیل کرد ولی نتوانست برای یک ساعت هم

با اعتماد بر فقدان شخصیت ملی و بین المللی حاکمیت نظامیان کابل، تمام مجامع دیپلوماتیک بین المللی را فرامیخواند که با آگاهی از بی پایه گی شخصیت حقوقی و ملی این مرکزیت نظامی در پایتخت ملت افغانستان - حمله بر سفارت ملت پاکستان در کابل را - هوشداری از عدم تحققل سیاسی حاکمان کابل و عدم مصئونیت دیپلوماتیک برای کارمندان خویش تلقی نمایند، چون هیچ مرجعی نمی تواند که تخلفات مشابه بعدی را با معیار های مشخص حقوق جزای بین الدول پاسخ گوید. حزب وحدت اسلامی افغانستان با اعتقاد راسخ به روابط برادرانه و دیپلوماتیک با کشورهای همسایه و مسلمان کشور خویش یکبار دیگر این عمل ناخردانه و خلاف موازین حقوق بشر و حقوق بین الدول را محکوم نموده



بهار آزاد

باز دست آشنایی غارت گلزار کرد
 آتشی را در بساط گلشن ایثار کرد
 باد تندی بر بهار آرزوی ازید دست
 وحشت پاییز بافتنه ای تکرار کرد
 حای شور و شادی اندر باغ همتی
 دیو دهشت گویا از باعهادیدار کرد
 دیده ی نرگس در یغا خون فشان شد در بهار
 بلبل غم دیده تا که ناله های زار کرد
 کوهساران سوگوار و حویبیاران غم بدوش
 حغد شوم شام وحشت در چمن دربار
 کرد
 سرور اقامت شکست و سلزه در خون خفت باز
 خیل آفت گستری چون طرح نکبت بار
 کرد
 فصل مرگ مرغزار و موسم غارت گریست
 دزد مصفدار بنگر ، باغبان بردار کرد
 (اسدالله ولوالبعی)

زمزمه پند
 شه ید راه آزادی تو بودی افتخار من
 ایو ذرای چراغ روشن شبهای تار من
 چرا ای نازنین از این سفر پزیده می آئی
 عم جان سوز تو سخت است بر قلب
 فگار من
 ز سنگر آمدن با بال پر خون سوی یاران
 بگری در عزایت خون ز چشم اشکبار
 چرا ای شمع من خاموش بسوی خانه می آیی
 بسوزم از غمت ای لاله دل بیقرار من
 تو در فصل بهار ان سرخ رومی آیی از کابل
 لباس سرخ رنگ بر تن نمودی در بهار
 من
 تو با استاد مزاری عهد بستنی با صفا رفتی
 ولی افسوس عصای ملت رفت از کنار
 من
 ایو ذر خاطرات رفتنت غم نامه دلهاست
 شکستی قلب خونین و دل محروم
 زار من
 عبدالکریم پاطو

شعر معاصر افغانستان

بیایید ای قوم

سینا در احمدی

گل ، زادی مرگ است ، شبانان رفتند
 وحدت ، زرگ و تگرگ است ، شبانان رفتند
 حوش در بر آن است که ساحل گیرد
 کاروان ، خسته روان است که منزل گیرد
 گرگ در بادیه سودای حراحت دارد
 درد در قوم فروخته مراحت دارد
 شعرها شعله ، شبگیر ندارد امشب
 شانه ها طاقت زنجیر ندارد امشب
 سفر قافله در حوش عطش می سوزد
 نه قریشی ، که بلالی ز حبش می سوزد
 گریه را گریه ، ز خبی است ، که ناسور شده است
 حاده را - فاصله ها - پای کسان دور شده است
 شب غم بخت نخستین کسان را برده است
 مرگ از بادیه فریاد رسان را برده است
 گله در وادی زخم است ، کحایید ای قوم
 دشنه هاتشنه ، زخم است ، بیایید ای قوم
 xxxxxxxxxxx

يك نفس تلخیره رانچشیدن هیچ است
 رنج با ذوق طریفان نکشیدن هیچ است
 شور این بادیه باز خم خون باید بود
 کشته هاراکفن عرقه بخون باید بود

بقیه از : اعلامیه حزب وحدت اسلامی

امیدوار است که حکومت و ملت برادر پاکستان این عمل را صرفاً "عقدہ کشایی گروهی محسوب دارند که فعلاً "هیئت اجتماعی ملی و بین المللی ملت خویش را نیز فدای هوسرانی های انحصار گر ایانه خویش مینمایند، ما معتقدیم که حاکمیت کنونی بابتی پایه گی حقوقی خویش پای بند به هیچگونه موازین حقوق بین الدول نبوده و امیدواریم که ملت و حکومت پاکستان این حادثه را در محدوده تصمیم یک مشیت بی فرهنگ مخالف با شخصیت و حقوق انسانی و سیاسی ملت ما محسوب دارند.

حزب وحدت اسلامی افغانستان
۱۹ ر ۶ ۱۳۷۴ بامیان

بقیه از : رسول بدای

حلق و خویش ، مانند سخنش و مانند
 دینش جامع و همه جانبه بود ، تاریخ هرگز
 شخصیتی مانند او را یاد ندارد که در همه ابعاد
 انسانی در حد کمال و تمام برده باشد او به
 راستی انسان کامل بود .

پایان

پایمال حادثه

ذیل الله زرکوب :

ساقی نشست و ساغر مارا شکست و ریخت
 دل را به داغ توبه ، فردا شکست و ریخت
 در داکه از تهاجم دردی کشان خام
 آنه های صاف دل ما شکست و ریخت
 دیدیم قامت کج دیوار را ولی ک
 خفتیم زیر سایه آن تا شکست و ریخت
 در بزم گرم خویش چراغی که داشتیم
 هنگام در گرفتن دعا و شکست و ریخت
 بازی نگر که آینه بودم بدست دهر
 این کودکم برای تماشا شکست و ریخت
 نقشی که بود زینت ایوان افتخار
 یا پایمال حادثه شد یا شکست و ریخت

صبح در ۰۰۰

فایقه حواد مهاجر

و دختران گیسوبه تاراج رفته

در حش خون

خون به کام می ریزند

وسیزده حلقه ، زنجیر را

خشمگین

به دندان می کشند

شاید که روزگاری ۰۰۰۰

از خواب که برخاستم

هنوز

صبح

در زنجیر بود .

شکوائیه

صد بهاران رفت یاران باز هم
 غنچه اندوه دانه اوانش
 مشغل امید هر خار و شن است
 پرتوی پیدابه قلب ما نشد
 پنبه ها ، رشتند ، بگشودند باز
 رشته ، ما محکم و پایا نشدند
 کعبه ای می شد با دوصد اقوام زیست
 باتو ، اما اندرین صحران شد
 باتومی شد کوه را از جای کشد
 بی تو گردی از زمین بالانشد
 هر که راه سبز ایمان پیشه کرد
 هیچگاهی غافل از مولانشد
 از : عیسی رحیمی غزنوی

طلوع وحدت

جریده : سیاسی ، فرهنگی ، عقیدتی ، خبری
 صاحب امتیاز : حزب وحدت اسلامی ۰۰۰ -
 مدیر مسئول : م ، ط حاج نظری
 آدرس دکاتباتی : کویته پاکستان پست ، باکس
 نمبر ۱۲۲ - نمبر ۸۳۴۹۶۴ فاکس ۷۲۲۷۹ -
 قیمت سه روپیه یا معادل آن